

سخن نخست

هر چند عنوان منطق و منطقی بودن تداعی کننده اتقان، اعتبار و درستی یک سخن یا یک روش است، علم منطق جویندگان اندکی دارد. وجود قالب‌های خشک و بی محتوا در منطق، ابزاری بودن و مقدماتی بودن آن برای دانش‌های دیگر، دلیل‌هایی برای بی‌علاقگی پژوهشگران به این علم است. دلیل دوم، شاید چندان هم بی‌وجه نباشد؛ زیرا جویندگان حقیقت احساس می‌کنند گم‌شده خود را در این علم نمی‌یابند.

از یک سو، کسانی که در پی معرفتی مورد اعتماد می‌گردند، با این پندار که بهره‌وری از راه نقل متکی به وحی، به کلی از منطق بی‌نیاز است، به برداشت‌های سطحی از مایه‌های عمیق بی‌کران وحی بسنده می‌کنند. از سوی دیگر، کسانی که به یافته‌های مفهومی و ذهنی قانع نیستند و در پی حقایقی روشن‌تر، برای دریافت شهودهای عینی هستند، پیمودن راه دشوار سیر و سلوک و جهاد با نفس را بر راه دشوار ساختارهای صوری و کشف مغالطه‌های منطقی ترجیح می‌دهند.

البته هر دو گروه، غافل‌اند که هیچ راهی از استدلال و هیچ استدلالی از منطق بی‌نیاز نیست. نه تشخیص راه معصومانه نقل بدون استدلال و منطق دست‌یافتنی است، و گرنه به دور یا تسلسل خواهد انجامید و نه آموزه‌های نقلی بدون بهره‌گیری از عقل و منطق به‌دُرستی درک می‌گردند. راه شهود و عرفان نیز، از استدلال و به تبع از منطق بی‌نیاز نیست؛ زیرا دست‌یابی به راه‌های درست سیر و سلوک و به تصریح برخی عارفان بزرگ، حتی تفکیک شهودهای عرفانی از یافته‌های برخاسته از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی، بدون عقل امکان‌پذیر نیست و چه بسا القائات ربانی هم بدون تفسیرهای حکیمانه، به تناقض‌گویی‌هایی بیانجامد.

افزون بر این، دعوی قالبی بودن و بی محتوا بودن منطق نیز هر چند در جای خود عیب نیست، بلکه هنر و امتیازی برای آن است، به هر حال، این کمبود، تنها درباره منطق‌های ریاضی، رمزی و صوری محض، معنایی درست دارد، ولی منطق کلاسیک، به ویژه منطق پرورش یافته در دامن اندیشمندان مسلمان، از آن مبرّی است؛ زیرا در درون خود، مجموعه‌ای از علوم را دارد که هر کدام کاربردی روزآمد در میان علوم عقلی دارند.

دانش منطق در میان مسلمانان، افزون بر فرمول‌های صوری، آمیخته‌ای از مایه‌هایی عمیق از معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، فلسفه علم، فلسفه اخلاق و صناعت‌های برهان، خطابه، جدل، مغالطه و شعراست که هر کدام به طریقی از محتوا خبر می‌دهند.

مراجعه دقیق، جامع و همه‌جانبه به علم منطق می‌تواند گستردگی و ژرف‌نگری اندیشمندان مسلمان را در مسائل مهمی از هر یک از علوم فوق، به خوبی روشن سازد و میراث گران‌بهای جهان اسلام را به دنیای معاصر معرفی کند.

بنابراین، بر اندیشمندان مسلمان است که با رویکردی نوبه علم منطق، گوهرهای ارجمند مرتبط با فلسفه‌های مضاف و معرفت‌شناسی را استخراج کنند و با یافتن جایگاه آنها در جغرافیای علوم روز، مبانی عقلی علوم انسانی را استوار سازند.

مدیر مسئول

